

**The role of the Iranian government in joining the World Trade Organization With an approach to government ownership**

Abstract

Accession to the WTO reduces tariff rates, increases the volume of international trade integration, and changes relative prices. Iran's membership in this organization based on the international trade level index and international trade integration index has had a positive effect on the export of its goods to other countries. Increasing government ownership in the economy has reduced the competitiveness of domestic goods at the international level, and in contrast to increasing the presence of the government as a government, has increased the competitiveness of domestic goods with similar foreign types. The research hypothesis is that the holding government in international trade acts like a businessman and seeks profit, which will prevent the passage of laws to pave the way for Iran's membership in the World Trade Organization. N. It is better for governments to transfer ownership to the private sector in order to lead to economic progress. The present study, with descriptive-analytical method, filing and library studies, seeks to investigate the role of the Iranian government in joining the World Trade Organization.

Keywords: Government, Economy, Enterprise, World Trade Organization, Iran

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران،  
 سال پنجم، شماره ۵، دی ۱۴۰۱، صص ۱۸۶۷-۱۸۸۲  
<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.318284.2756>

### نقش الحاق دولت ایران به سازمان تجارت جهانی با رویکردی بر تصدی گری دولت

قاسم بعدی بناب<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

ناصر مسعودی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

اسماعیل صغیری<sup>۳</sup>

چکیده

الحاق به سازمان تجارت جهانی موجب کاهش نرخ تعرفه، افزایش حجم ادغام در تجارت بین الملل و تغییر قیمت‌های نسبی می‌شود. عضویت ایران در این سازمان بر اساس شاخص سطح تجارت بین الملل و شاخص ادغام تجارت بین الملل اثر مثبتی بر صادرات کالاهای این کشور به کشورهای دیگر داشته است. افزایش تصدی گری دولت در اقتصاد، باعث کاهش قدرت رقابت پذیری کالاهای داخلی در سطح بین المللی شده و در مقابل افزایش حضور دولت به صورت حاکمیتی، موجب افزایش قدرت رقابت پذیری کالاهای داخلی با انواع مشابه خارجی شده است. فرضیه تحقیق این است که دولت تصدی گر در امور تجارت بین الملل مانند یک تاجر عمل می‌کند و به دنبال سود و منفعت می‌باشد که با این کار مانع تصویب قوانینی خواهد بود تا مسیر را برای عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی فراهم نماید. بهتر است که دولت‌ها امور تصدی گری را به بخش خصوصی واگذار کنند تا موجبات پیشرفت اقتصادی فراهم شود. پژوهش حاضر، با روش توصیفی-تحلیلی و فیش برداری و مطالعات کتابخانه‌ای در صدد آن است تا نقش الحاق دولت ایران به سازمان تجارت جهانی را مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: دولت، اقتصاد، تصدی گری، سازمان تجارت جهانی، ایران

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

<sup>۲</sup> استادیار تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> استادیار تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

سازمان تجارت جهانی مهمترین سازمانی است که در رابطه با تنظیم قوانین در خصوص تجارت می باشد و به تنظیم قوانین مربوط به تجارت در عرصه جهانی و حل و فصل اختلافات ناشی از آنها رسیدگی می کند که دارای یک سری قوانین و اصول می باشد و رعایت آنها توسط کشورهای عضو الزامی می باشد. ایران با پیوستن به این سازمان و پذیرش عهدنامه آن باید به قوانین سازمان احترام گذاشته و آنها را رعایت کند. پیوستن به سازمان تجارت جهانی یکی از مهمترین اقداماتی است که کشورها در جهت پیوستن به بازار بزرگ جهانی انجام می دهند. کشور ایران نیز باید با اصلاحات سیستم گمرکی، خدمات مالی، بیمه، بورس و غیره در راستای انطباق با استانداردهای جهانی به این سازمان ملحق گردد.

در صورتی که ایران به عضویت این سازمان درآید باید معاهدات بین المللی زیادی را بپذیرد حال آنکه دولت آمریکا به دلیل تعارض با جمهوری اسلامی ایران امکان و تو کردن درخواست های مکرر ایران را برای عضویت در این سازمان را دارد. عضویت در این سازمان منجر به ناتوانی کشورهای نظیر آمریکا به اعمال تحریم علیه ایران خواهد شد و همچنین سبب روان سازی تجارت و دسترسی آسان به بازارهای جهانی، واردات و صادرات آسان تر میان تولید کنندگان و ارائه دهندگان خدمات داخلی و خارجی خواهد شد. علاوه بر این، موجب افزایش سهم ایران در تجارت جهانی می شود. اعمال دولت از لحاظ موضوع به اعمال تصدی و اعمال حاکمیتی تقسیم می شود و تمایز نوع دخالت دولت در امور اقتصادی تاثیرات متفاوتی را بر توزیع درآمد جامعه به جای خواهد گذاشت. بنابراین سوالاتی که به ذهن متبادر می شود این است که الحاق سازمان تجارت جهانی چه تاثیری به همراه دارد آیا می تواند تحولی مثبت و سازنده ایفا کند؟ همچنین نقش الحاق به سازمان تجارت جهانی در تصدی گری دولت چه می باشد که در مقاله حاضر سعی بر این است که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به این سوالات پاسخ داده شود تا کمی رفع ابهام گردد.

## ۲- کلیات

در ذیل این عنوان نخست به تعریف و مصادیق تصدی گری پرداخته سپس وارد مباحثی در خصوص الحاق دولت ایران به سازمان تجارت جهانی می شویم.

### ۲-۱- مفهوم و تعریف تصدی گری

اعمال تصدی گری، اعمالی است که دولت از نقطه نظر حقوقی مشابه اعمال افراد انجام می دهد، مانند خرید و فروش، اجاره و استیجاره و غیره. کاهش نقش تصدی گری دولت در مسائل اقتصادی به خصوصی سازی معروف می باشد که این اصطلاح به هرگونه انتقال فعالیت از بخش عمومی به بخش خصوصی گفته می شود. این امر می تواند در خصوص داخل کردن سرمایه یا فن در مدیریت خصوصی در فعالیت بخش عمومی باشد اما بیشتر انتقال مالکیت از بنگاه های عمومی به بخش خصوصی را شامل می شود.

خصوصی سازی یک سیاست اقتصادی است که مالکیت و کنترل خصوصی از نظر تخصیص منابع نسبت به مالکیت عمومی کاربردی تر می باشد. خصوصی سازی موجب شایسته مداری بهتر در سیستم اجرایی و مدیریت می شود که همین امر سبب بهبود بیشتر در بخش تولید است که این می تواند به دلیل وجود بروکراسی و قوانین محدود عدم وجود تعهد در بخش دولتی باشد. البته باید توجه کرد که کاهش تصدی گری دولت در امور اقتصادی اگر با تشکیل شبه انحصارها، احتکار و تبعیض بازاری همراه باشد؛ باعث حذف یا کاهش برخی از خدمات و کالاهای ضروری یا غیر ضروری شده و همچنین با حذف یا کاهش تدریجی این گونه خدمات فاصله طبقاتی را افزایش می دهد (زنوری و اسماعیلی، ۱۳۹۳، ۴۶).

## ۲-۲- مصادیق تصدی گری دولت

دولت در امور صنعتی، کشاورزی، حمل و نقل، بازرگانی، مسکن و بهره برداری از طرح های آب و خاک و شبکه های انرژی، ارتباطات و راه می تواند به تجارت و تصدی گری بپردازد. اعمال تصدی گری مربوط به امور اجتماعی، فرهنگی و خدماتی باید از طریق توسعه بخش تعاونی و خصوصی و نهادها و موسسات عمومی غیر دولتی تعیین صلاحیت شده و با نظارت و حمایت دولت انجام گیرد و فقط در مواردی که انجام امور تصدی های مذکور مقدر نباشد، دولت موظف به ایجاد و اداره واحدهای دولتی خواهد بود (سایت گروه نوسازی و تحول اداری، تاریخ رویت ۲۹ مهر ۱۴۰۰).

بنابراین دولت به صادرات و واردات نفت و گاز، هواپیما، مواد غذایی و غیره می پردازد. به عنوان مثال طبق گزارشات سازمان تجارت جهانی، ایران دارای ۲۲۱ قلم کالای صادراتی می باشد که نفت مهمترین کالا محسوب می شود که بیشتر از ۸۰ درصد درآمدهای صادرات ایران آن از نفت تامین می شود. وابستگی اقتصاد کشورهای توسعه یافته به نفت و گاز و نیازهای جهانی به ذخایر معدنی از یک سو، موقعیت ایران در مرکز شکل استراتژیک هیدروکربوری جهان در خاورمیانه از سوی دیگر، بیانگر اهمیت توجه به رژیم حقوقی حاکم بر صادرات و واردات نفت و کالاهای نفتی می باشد.

حقوق حاکم بر صادرات و واردات کالاهای نفتی که چهارچوب قانونی این نوع فعالیت هاست شامل مقررات و دستورالعمل ها و بخشنامه های گوناگونی است که خود یک ایراد محسوب می شود. غیر از واردات و صادرات، بانکرینگ، سوآپ، محموله های نفتی نیز مشمول رژیم حقوقی حاکم در خصوص صادرات و واردات با نظارت گمرک می باشند. عدم ثبات قوانین و مقررات، طولانی بودن تشریفات قانونی و گمرکی، نارسایی ها و خلاهای موجود در سازمان های اداری، عدم پشتیبانی اصولی از صادرات فرآورده های نفتی از قبیل جایزه صادراتی و معافیت مالیاتی از جمله چالش های موجود در این زمینه می باشند. همچنین سیستم هماهنگ شده طبقه بندی کالا یک سیستم بین المللی می باشد (ابراهیمی و کریمی فرد، ۱۳۹۷، ۴۲).

علیرغم تامین منابع مالی برای اجرای برنامه‌های اقتصادی، وفور درآمدهای نفتی آثار و پیامدهای منفی بر نهادهای اقتصاد گذاشته است. یکی از آثار مهم وفور درآمدهای نفتی، اختلال در نظام تصمیم‌گیری عوامل اقتصادی می‌باشد که این اختلال‌ها باعث انحراف تصمیم‌خانوارها و دولت از شرایط بهینه در خصوص نرخ پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، اندازه و ساختار بهینه بودجه، کسر بودجه این سیاست‌های تجاری خواهد شد. بنابراین سهم دولت از اقتصاد و به عبارتی تصدی‌گری دولت افزایش یافته و نقش بخش خصوصی کم‌رنگ‌تر خواهد شد. توصیه سیاسی این است که برای کنترل و از بین بردن اثرات نامطلوب نوسانات درآمدهای نفتی، تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد از طریق ساز و کارهای مناسب کنترل شده و در هر دوره به اندازه روند بلند مدت تنظیم شود که در این صورت برنامه‌های توسعه‌ای ملی تامین مالی شده و از سوی دیگر انتقال نوسانات قیمت نفت به بخش خصوصی و ایجاد نتایج زیانبار جلوگیری خواهد شد.

همچنین یک افزایش معین در درآمدهای نفتی از طریق ضریب تکاثری مخارج دولت، موجب افزایش سرمایه‌گذاری و فعالیت بخش خصوصی و در پی آن کاهش سهم دولت از تولید ملی می‌شود اما باید مدنظر قرار داد که این افزایش قیمت یک نوسان درآمدهای نفتی تلقی می‌شود که موجب افزایش نا اطمینانی کاهش فعالیت بخش خصوصی و در پی آن افزایش سهم دولت می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که با تغییر درآمدهای نفتی به طور مستمر سهم دولت از کل اقتصاد بیشتر شده و تصدی‌گری دولت نیز بیشتر می‌شود. برای افزایش سهم بخش خصوصی از اقتصاد و به عبارتی خصوصی‌سازی، به جای اینکه دارایی‌های دولت واگذاری کرد باید وابستگی دولت نسبت به نفت را کاهش داد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۱۵-۱۹۰).

### ۲-۳- جایگاه وظایف حاکمیتی و تصدی‌گری دولت در تنظیم برنامه‌های راهبردی

در تمامی نظام‌های حقوقی دنیا دولت‌ها دو اعمال حاکمیتی و تصدی‌گری را انجام می‌دهند. امور حاکمیتی شامل سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی بوده و تصدی‌گری قابل واگذاری به مردم و بخش خصوصی می‌باشد. وجود وظیفه حداکثری دولت در اعمال حاکمیتی و تصدی‌گری باید واقع‌گرایانه بوده بر اساس وظایف مصوب و ابلاغی زیر سلطه نظام حاکمیتی قرار گرفته و اجرا شود. آموزه‌های دینی و فرهنگی نظام‌های سیاسی حاکم در ایران و دستگاه‌های اجرایی آن با در نظر گرفتن ویژگی‌های ارزشی و هویت ملی بسیار مهم می‌نماید چراکه تاثیرات مثبتی در برنامه‌ریزی راهبردی بومی و ملی خواهد داشت.

همچنین تبعیت بخش عمومی کشور به شکل ساختار وظیفه‌ای در قالب وزارتخانه‌ها واقعیتی است که باید به حد کافی در تدوین استراتژی طراحی و اجرای برنامه‌های مشخص برای نیل به ارتقاء وضعیت به آن توجه کرد. از جمله مشکلات این سیستم در یک دوره اجرایی، بخشی شدن نگرش‌ها با سازماندهی جزء نگر می‌باشد. وظیفه بودن ساختار کلان و واحدها به جای نظام فرایندی یکی از مشخصات ساختار دولت در کشور است که خود یک نقطه قوت محسوب می‌شود. هر چند که هر دو نظریه وظیفه‌نگر و فرایند محور قابل اعمال و به‌کارگیری در برنامه‌ریزی راهبردی و سالیانه می‌باشد.

افزایش تصدی‌گری و رقابت آن با وظایف حاکمیتی دولت با وجود برنامه‌های کلان و سالیانه یک آسیب محسوب می‌شود. بنابراین یکی از نتایج برنامه‌های راهبردی و فرآیندهای ارزیابی عملکرد در اصلاح و تغییر ساختاری و اجرایی می‌تواند باعث ایجاد این بخش باشد. همچنین در آموزش و فرهنگ در خصوص الگوسازی، روش‌های فراگیر در بخش حاکمیتی و تصدی‌گری وجود دارد و برخی تضادهایی که در خصوص اجرا نمایان می‌شود از مشکلات اداری و اجرایی حاد کشور می‌باشد. بنابراین وظیفه اصلی یک برنامه راهبردی باید تفکیک و عملیاتی کردن وظایف و جلوگیری از آن با هدف هماهنگی بیشتر باشد. وارداتی بودن برخی مدل‌ها از عوامل عدم کسب نتیجه و هدف بوده که استفاده از مدل‌هایی که به صورت بومی ارائه شده اند غیرقابل امتناع می‌باشد (نیلی پور طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۹، ۵۴-۵۳).

### ۳- سازمان تجارت جهانی و الزامات الحاق به آن

سازمان تجارت جهانی در خصوص تنظیم قوانین مربوط به تجارت جهانی شروع به کار کرده است و وظیفه تنظیم قوانین مربوط به تجارت بین الملل و حل و فصل اختلافات ناشی از آن را بر عهده دارد. عضویت در این سازمان نیاز به پذیرش یک سری اصول و معاهدات است که مورد پذیرش کشورهای عضو این سازمان قرار گرفته باشد. عضویت در این سازمان یکسری فرصت‌هایی را پیش روی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد به عنوان مثال کشورهایی مانند آمریکا در خصوص اعمال تحریم‌های اقتصادی ناتوان خواهند شد و وضعیت حقوق مالکیت در ایران بهبود خواهد یافت.

در صورت الحاق جمهوری اسلامی ایران به سازمان تجارت جهانی روان‌سازی تجارت و دسترسی آسان به بازارهای جهانی، امکان استفاده از خدمات و سیستم‌های سازمان تجارت جهانی افزایش خواهد یافت و موانع و محدودیت‌ها کاهش خواهند یافت. سهم ایران در تجارت جهانی و امنیت اقتصادی آن افزایش یافته و فرصت‌های شغلی بیشتری برای اتباع داخلی فراهم خواهد شد. علاوه بر این دستیابی به دانش فنی و فناوری جدید، تعامل با سایر دولت‌ها و شرکت‌های بین‌المللی، افزایش صادرات غیرنفتی، جذب سرمایه و دستیابی به بازارهای کشورهای عضو از دیگر مزایای الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی می‌باشد.

آزادسازی تجارت نقش بسیار مهمی در توسعه اقتصاد کشورها دارد. بیشتر از ۹۵ درصد کل تجارت جهانی در اختیار اعضای سازمان تجارت جهانی است. تجارت آزاد بین کشورها منجر به افزایش رقابت شده و افزایش رقابت نیز نوآوری و استفاده بهتر و بهینه از عوامل تولید را در پی خواهد داشت که باعث رونق تجارت و سوق دادن آن به سمت نوآوری، بهبود فرآیندها، تکنولوژی و همچنین پیشرفت علم خواهد شد (پیری، ۱۳۹۵، ۱۹).

### ۳-۱- شرایط الحاق به سازمان تجارت جهانی

شرایط الحاق به سازمان تجارت جهانی مستلزم پذیرفتن اصول و معاهدات متعددی است که مورد قبول کشورهای عضو قرار گرفته است که این مراحل شامل تقاضای عضویت، پذیرش درخواست الحاق به عنوان عضو ناظر، تدوین گزارش سیاست های تجاری کشور، تشکیل گروه کاری الحاق و مذاکرات دو جانبه و چند جانبه به منظور تعیین شرایط عضویت و حصول توافق برای الحاق می باشد.

اصولی که هر کشور برای عضویت در سازمان تجارت جهانی باید بپردازد شامل موارد زیر است: ۱- آزادسازی تجارت خارجی ۲- آزادی واردات کلیه محصولات صنعتی و کشاورزی ۳- لغو محدودیت بر واردات خدمات ۴- حذف حقوق گمرکی بر واردات محصولات صنعتی و کشاورزی ۵- آزادسازی نرخ کالا و خدمات و حذف کلیه یارانه های غیر مستقیم ۶- آزادسازی نرخ بهره ۷- آزادسازی نرخ ارز ۸- لغو انحصاری دولتی و خصوصی ۹- جریان آزاد اطلاعات ۱۰- تخصیص بهینه منابع به وسیله بازار ۱۱- جداسازی دو مفهوم اقتصاد و تامین اجتماعی ۱۲- ایجاد دولت ناظر به جای دولت تعامل در عرصه اقتصاد

همچنین مراحل الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی شامل ارائه نظامنامه رژیم تجاری ایران به سازمان تجارت جهانی، بررسی و پرسش در مورد گزارش و نظامنامه از ایران، مذاکرات چند جانبه با دیگر اعضا، مذاکرات دو جانبه، تصویب نهایی نتایج مذاکرات ایران توسط اعضای کارگروه و در نهایت ارائه گزارشات نهایی به شورای عمومی سازمان جهت قطعیت عضویت (پیری، ۱۳۹۵، ۲۲).

### ۲-۳- قانون اساسی و الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی

قانون اساسی در هر کشور روح حاکم بر همه قوانین و مقررات آن کشور است و خط‌مشی های کلی نظام در آن آورده می شود. در مقدمه قانون اساسی ایران در خصوص اقتصاد چنین آمده است: برنامه اقتصادی اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت های متفاوت انسانی است و تأمین امکانات مساوی، متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است که در راستای اهداف گات و مبنی بر ارتقای سطح زندگی و تأمین اشتغال، توسعه و اصلاحات اقتصادی است.

در قانون اساسی به انطباق قوانین اقتصادی با موازین اسلامی تأکید شده لیکن در بند ۴ از ماده ۱۶ موافقتنامه تاسیس سازمان آمده است: هر عضو ملزم به تطبیق قوانین و آئین نامه های اداری کشور خود با تعهداتش در گات می باشد. بنابراین دولت متقاضی عضویت در سازمان می بایست قوانین و مقررات داخلی خود را با اصول سازمان و قواعد و مقررات موافقت نامه های مرتبط هماهنگ کند.

در اصل ۴۴ صنایع، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها، شبکه های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند این ها در مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.

حال آنکه که مطابق با اصول گات دولت‌ها برای الحاق به سازمان باید آزادسازی تجاری را در نظر بگیرند. اقدام به سرمایه گذاری خارجی و گسترش آن یکی از توافقات اصلی در حوزه جهانی سازی تجارت در سازمان است که با اصل فوق منطبق نمی باشد زیرا که هدف گات اساساً کم رنگ کردن نقش دولت در تجارت مستقیم کالا و خدمات و هدایت اقتصاد به سمت اقتصاد غیر دولتی است.

همچنین طبق اصل هفتاد و هفتم کلیه عهدنامه ها، مقاله نامه ها، قراردادها و موافقت نامه های بین المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد اما در قواعد و رویه سازمان چنین چیزی موضوعیت نداشته و دخالت مجالس قانونگذاری هیچ یک از اعضاء در این رابطه مطرح نشده است.

در قانون اساسی صراحتاً بر ممنوعیت مطلق واگذاری امتیاز تشکیل شرکت های تجاری و خدماتی تاکید شده و در مقررات سازمان تجارت جهانی آمده است که هر کشور عضو در سازمان می تواند در دیگر کشورهای عضو سازمان امتیاز تاسیس شرکت را داشته باشد. همچنین طبق اصل ۱۳۹ قانون اساسی، صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس برسد. با توجه به وجود نهاد و رکن حل و فصل اختلافات بین اعضای سازمان تجارت جهانی دخالت مجالس قانونگذاری هیچ یک از اعضاء در این رابطه مطرح نشده زیرا که این سازمان یکی از فعال ترین مکانیسم های حل و فصل اختلافات جهان را در اختیار دارد که از زمان تاسیس در ۱۹۹۵ تاکنون بیش از پانصد اختلاف به سازمان آمده و بیش از سیصد و پنجاه حکم صادر شده است (شیروی، ۱۳۹۲، ۱۴۴).

بنابراین قانون اساسی با دو اصل اساسی آزاد سازی تجاری و عدم تبعیض سازمان به شرح ذیل سازگار و منطبق نیست لذا در اینکه قانون اساسی به عنوان شالوده قوانین و مقررات عمومی کشور و قانون مادر است، شکی نیست، اما اگر بنا بر رفاه و حمایت از حقوق و آزادی های عموم افراد جامعه باشد، مصلحت اقتضا می کند در این مورد حتی با توجه به سختی و موانع موجود نسبت به بازنگری قانون اساسی در جهت ایجاد مصالح و منافع عموم در اسرع زمان ممکن اقدام گردد (پیری، ۱۳۹۵، ۲۳).

### ۳-۳- موانع قانون اساسی در خصوص الحاق به موافقت نامه تریپس

سازمان تجارت جهانی اول ژانویه ۱۹۹۵، متعاقب مذاکرات دور از اروگوئه که بین سال های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۴ اتفاق افتاد، جایگزین نهاد موقت ۵۰ ساله گات گردید که این مذاکرات که به علت اختلاف نظر بر سر مسائلی مانند کشاورزی، خدمات و منسوجات، به طولانی ترین دور مذاکرات تبدیل شد، منتج به انعقاد حدود ۶۰ موافقت نامه و تصمیماتی که حجم آن از ۵۰۰ صفحه فراتر رفت. در این مذاکرات علاوه بر انعقاد سند مؤسس سازمان تجارت جهانی، موافقت نامه های دیگری نیز منعقد شد که یکی از آنها، موافقت نامه تریپس است. موافقت نامه تریپس به عنوان موافقت نامه ای از سازمان تجارت جهانی، بخشی از حوزه حقوق بین الملل و جزئی از نظم تجارت جهانی است که ریشه های آن را می توان در موافقت نامه عمومی راجع به تعرفه و تجارت جست و جو کرد، به طوری



که این موافقت‌نامه، به عنوان یکی از ضمائم موافقت‌نامه مؤسس سازمان تجارت جهانی قلمداد می‌گردد که از اول ژانویه ۱۹۹۵ لازم‌الاجراء گردید.

این موافقت‌نامه مقررات ماهوی کنوانسیون پاریس و برن را با ارجاع مستقیم پذیرفته است. موافقت‌نامه تریپس تعهدات و مقررات ماهوی ایجاد و اضافه می‌نماید. بدین ترتیب که تریپس با تأیید مواد و مفاد ماهوی مقررات قبل از خود، به ویژه کنوانسیون-های پاریس و برن که به ترتیب مهمترین مقرره بین‌المللی در خصوص حمایت از مالکیت صنعتی و ادبی و هنری هستند، روند حمایت بین‌المللی از مالکیت فکری را بر هم نزنده و مسیر آن را ناهموار یا منحرف ننموده است، بلکه با ارجاع صریح به آن‌ها و الزام کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی به رعایت بخش قابل توجهی از مقررات مذکور که از لحاظ محتوا مباحث ماهوی حمایت را تشکیل می‌دهند، نه تنها بر میزان و گستره حمایت‌های بین‌المللی مندرج در مقررات مذکور تأکید دارد، بلکه در قالب سازمان تجارت جهانی که بخش عظیمی از تجارت بین‌المللی را تحت نظارت و کنترل خود دارد، بر محدوده کمی و کیفی آن افزوده است. مضاف بر اینکه، در جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی که مشتمل بر چهارده فصل و یکصد و هفتاد و هفت اصل می‌باشد، در صدر هرم سلسله مراتب قوانین و حقوق موضوعه قرار دارد و در نتیجه، این قانون، منبع بنیادین بسیار از موضوعات و مقولات حقوقی قلمداد می‌گردد.

در این میان اصل ۱۳۹ قانون اساسی که زیر مجموعه فصل هشتم این قانون است، در راستای صیانت از اموال و دارایی‌های عمومی و دولتی در صورت بروز دعوای حقوقی، تشریفاتی را ایجاد نموده تا این هدف محقق شود. بایستی چنین گفت که سیستم حل و فصل اختلاف بر مبنای تریپس، بر پایه برخی از اصول و قواعد حقوق بین‌الملل بنا نهاده شده است که به راحتی نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت و نفی نمود چراکه تمام تصمیماتی که در رکن حل اختلاف تریپس در جهت حل و فصل اختلافات مالکیت معنوی اتخاذ می‌گردد، بی‌شک در تکامل و توسعه نظام حقوقی حاکم بر حوزه حقوق مالکیت معنوی مؤثر بوده و ایفای نقش می‌نماید. از این جهت، مسئله مهم در این راستا، جلوگیری از ایجاد رویه‌های ناهماهنگ و متناقض با این سیستم می‌باشد که نه تنها موجب رشد و توسعه نظام حقوقی این حوزه نخواهد شد، بلکه می‌تواند به ایجاد تنش و بی‌نظمی منجر گردد (خسروی و حبیب‌زاده، ۱۳۹۸، ۱۴۴-۱۵۳).

اساساً بروز اختلاف در اجراء یا تفسیر قراردادهای داخلی یا بین‌المللی امری معمول و طبیعی است و انتخاب راهکاری سهل، ارزان، سریع و مورد قبول برای حل اختلاف هنگام انعقاد قرارداد از مسائل مطرح و مورد توجه اطراف قرارداد می‌باشد. عموماً طرفین قرارداد با انتخاب گزینه داوری و مقررات حاکم بر آن جهت حل و فصل اختلافات، سعی بر کوتاه نمودن مدت رسیدگی و کاهش هزینه‌ها دارند و در این خصوص قوانین و مقررات هرکشوری ممکن است برای امر داوری شیوه‌های خاصی را پیش‌بینی و یا مقررات محدود کننده‌ای را اعمال نماید. مهمترین اصلی که در قانون اساسی راجع به حل و فصل اختلافات دولت ایران و طرف دیگر ملاحظه می‌شود، اصل ۱۳۹ است که رویکرد حقوقی این قانون، در تناقض با رویکرد موافقت‌نامه تریپس است. به طور کلی، عمده‌ترین موانع حقوقی عدم الحاق ایران به موافقت‌نامه تریپس، تعارض مفادی از این موافقت‌نامه با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است (خسروی و حبیب‌زاده، ۱۳۹۸، ۱۵۳).

## ۳-۴- تأثیر الحاق به سازمان تجارت جهانی بر نظام حقوقی ایران

چنانچه کشوری متقاضی عضویت در سازمان تجارت جهانی باشد باید به دو نکته توجه کند. اول اینکه عضویت در سازمان تجارت جهانی به معنای قبول همه موافقتنامه های چندجانبه سازمان تجارت جهانی می باشد که تعهدات و تکالیف زیادی به کشور متقاضی تحمیل می کند. دوم اینکه کشور متقاضی باید وارد مذاکرات چندجانبه و دوجانبه با کشورهای عضو خصوصاً طرف های تجاری عمده شده و در مورد نحوه ورود به سازمان با آنها توافق کند که برای رسیدن به چنین توافقی آن کشور باید تعرفه های گمرکی خود را برای کالاهایی که از کشورهای عمده طرف تجاری وارد می کند کاهش دهد و امتیازات کالاهای صنعتی، کشاورزی و تجارت خدمات را با آنها نهایی کند.

کشورها قبل از الحاق رسمی به سازمان باید یک سری اصلاحات اقتصادی و تجاری انجام داده و قوانین و مقررات خود را بر آن اساس اصلاح کنند که قانونگذار ایران نیز در سال های اخیر برخی اصلاحات انجام داده است که می تواند زمینه ساز پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی باشد. از جمله مهمترین اصلاحات تک نرخی کردن برابری ریال با ارزهای معتبر خارجی، تجمیع عوارض از جمله عوارض گمرکی، اصلاح قانون مالیات های مستقیم، ابلاغ سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی و خصوصی سازی، پیوستن به کنوانسیون های چند جانبه در خصوص مالکیت فکری، اجرای آرای داوری، تصویب قانون حمایت و تشویق از سرمایه گذاری خارجی، است. همچنین مواد ۱۰۱ تا ۱۱۰ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران به موضوع تجارت پرداخته و بحث الحاق به سازمان تجارت جهانی را مطرح کرده است. انحصار تجارت خارجی، کنترل صادرات و واردات، محدودیت فعالیت اشخاص خصوصی و خارجی در تجارت خدمات، اعطای رایانه ها از جمله قوانین صادرات و واردات ایران هستند که با مقررات سازمان تجارت جهانی هماهنگی ندارند (شیروی، ۱۳۹۲، ۱۳۰-۱۲۲).

بنابراین اثرات مهمی که پس از الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر اقتصاد آن خواهد گذاشت، تغییرات سهم تولید کنندگان ایرانی از بازار داخلی، تغییرات سهم تولید کنندگان ایرانی از بازارهای دیگر کشورهای جهان، افزایش حجم سرمایه گذاری خارجی در ایران و رشد اقتصادی کشور خواهد بود.

## ۴- عوامل تعیین کننده اندازه دولت

وجود رقابت ناقص در برخی بازارها، پیامدهای خارجی کالاهای عمومی، توزیع مجدد درآمد، عدم انگیزه بخش خصوصی در توسعه، نبود اطلاعات کامل، انحصار و فقدان رقابت از جمله دلایل مداخله دولت در اقتصاد می باشد. در کشورهای اوپک ثباتی در اندازه دولتی دیده نمی شود اما در کشورهای توسعه یافته روند ثابتی در اندازه دولت وجود دارد. برخی از کشورها توانایی ارائه داده های مهم اقتصادی را ندارند زیرا از امکانات کمتری بهره مند هستند. بوروکرات های فاسد با انگیزه رانت جویی باعث می شوند هزینه های دولت افزایش یافته و در پی آن مخارج و اندازه دولتی افزایش می یابد.

الگوهای جمعیتی تاثیر مهمی بر اندازه دولت دارند. برخی کشورها مخارج بیشتری را برای جمعیت جوان رو به رشد در زمینه بهداشت و آموزش و جمعیت مسن در زمینه حقوق بازنشستگی و سیستم امنیت اجتماعی صرف می‌کنند. همچنین یک رابطه منفی میان اندازه دولت و درجه شهرنشینی وجود دارد، یعنی مهاجرت از روستا به شهر مخارج دولت را کاهش می‌دهد. کشورهای با رشد پایین منجر به گسترش بیشتر مخارج عمومی و افزایش اندازه دولت می‌شوند. بنابراین در کنار متغیرهای اقتصادی؛ متغیرهای جمعیتی، سیاسی و حکومتی در تعیین اندازه دولت نقش کلیدی دارند که این موضوع در اقتصاد ایران نیز مشاهده می‌شود. یکی از دلایل شکست سیاست‌های خصوصی سازی در اقتصاد ایران عدم توجه به مولفه های سیاسی-نهادی و حکومتی می باشد (ابریشمی و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۹).

#### ۴-۱- تأثیر جهانی شدن تجارت بر اندازه دولت در ایران

نقش و اندازه دولت خصوصاً در مورد ورود دولت به بخش تصدی‌گری دارای ذهنیت منفی می باشد. طبق نظریه‌های موجود، دولت اثربخش باید سطح اقتصادی پایینی را نسبت به فعالیت‌های تصدی‌گری داشته باشد. نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی را به عنوان شاخص اندازه دولت در ادبیات تجربی به عنوان سهم دولت از مجموعه تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهند و مابقی آن فضای کسب و کار و فعالیت های بخش خصوصی باز را نمایان می‌سازد.

اندازه دولت به حجم عملیاتی توجه دارد که توسط سازمان‌ها و نهادهای وابسته به آنها انجام می‌شود و به نوعی مداخله دولت در اقتصاد می‌باشد. تاثیر جهانی شدن تجارت بر اندازه دولت مثبت است و اثر رشد اقتصادی و تورم بر اندازه دولت مثبت، اما اثر صنعتی شدن بر آن منفی می‌باشد.

جهانی شدن تجارت در مدت کم و طولانی بیشترین اثر را نسبت به سایر متغیرها بر اندازه دولت دارد و بیشترین نوسانات اندازه دولت از جانب متغیر جهانی شدن تجارت می‌باشد. بنابراین سیاستمداران و نهادهای دولتی باید به ریسک‌های احتمالی و هزینه‌های ناشی از آن توجه نمایند و به دنبال راه حل‌های مناسب جهت مقابله با ریسک‌های بین‌المللی باشند. همچنین آزادسازی و اصلاح قوانین در خصوص اقتصاد ایران برای رسیدن به یک رقابت سالم و همراه با محدود شدن تصدی باید مد نظر قرار گیرد چرا که جهانی شدن حرکت به سمت بازار، واگذاری تصدی‌گری‌های دولتی و بخش‌های خصوصی و باز شدن بیشتر بخش خصوصی می‌باشد. حال آنکه دولت ایران با وابستگی شدید به درآمد نفتی و ناکارایی نظام اداری و مالیاتی روبه‌رو است و افزایش فشارهای اقتصاد جهانی و تحولات تکنولوژی سبب بروز مشکلاتی می‌شود. جهانی شدن با کاهش نقش دولت همراه است و دولت باید با کاهش تصدی‌گری‌های غیر ضروری در بهبود وضعیت کمک کند. لازم به ذکر است که در فرآیند جهانی شدن، حجم و اندازه دولت نیز بزرگتر می‌شود (دادگر و نظری، ۱۳۸۷، ۳۳-۸).

#### ۴-۲- سطح بالای تصدی‌گری دولت در اقتصاد و تهدیدهای ناشی از افزایش تصدی‌گری و بزرگی دولت

اندازه دولت یکی از موضوع‌های مهم اقتصادی هر کشور به‌شمار می‌رود. اگر اندازه دولت را از لحاظ حجم فعالیت‌های تصدی‌گری آن بررسی کنیم، این موضوع از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. بر اساس ارزیابی‌های انجام شده تصویر نگران‌کننده‌ای از تسلط فعالیت‌های تصدی دولت در اقتصاد در سال‌های اخیر وجود دارد و با توجه به پیامدهای منفی گسترش این فعالیت‌ها، به‌کارگیری برخی از ملاحظات هم در اجرای سیاست‌های اصل چهل و چهارم قانون اساسی و هم در ماهیت برخی از مفاد این قانون ضروری می‌باشد. میزان و نوع دخالت دولت در مسایل اقتصادی و آثار و پیامدهای فعالیت‌های دولت بر متغیرهای کلان اقتصادی از جمله مهم‌ترین مباحثی می‌باشد که در چند دهه اخیر مورد توجه بسیاری از اقتصاددانان و سیاست‌گذاران اقتصادی در سطح کلان قرار گرفته است. اهمیت این مسأله در اقتصاد ایران هم به لحاظ حضور طولانی‌مدت و گسترده دولت در اقتصاد و هم به لحاظ میزان و اندازه حوزه‌های فعالیت آن که همواره متنوع‌تر و فراتر از عرصه‌هایی بوده است که دولت‌ها به‌طور متعارف به آن ورود پیدا کرده‌اند، دوچندان بوده است که توجه به نوع و میزان فعالیت‌های گسترده و گوناگون دولت و ارزیابی پیامدهای آن بر عملکرد اقتصادی کشور از ضرورت‌ها برای اصلاح سیاست‌های اقتصادی کشور است.

اگرچه تحلیل آثار فعالیت‌های حاکمیتی دولت بر متغیرهای اقتصادی اهمیت زیادی دارد، اما در ایران مانند دیگر کشورهای درحال توسعه و دارای درآمدهای حاصل از منابع طبیعی، وابستگی به منابع نفتی و در نتیجه، کسب درآمدهای بالای نفتی از عوامل مهم در افزایش تصدی‌های دولت در اقتصاد است، زیرا در نتیجه وجود این درآمدها، دولت توانایی آن را می‌یابد که در تمام سطوح اقتصاد (خرد و کلان) دخالت کند. تمایل بیش از حد دولت به تصدی‌گری می‌تواند موجب بروز مشکلاتی در ساختار و عملکرد دولت شود، به‌صورتی که ارقام بودجه‌ای مربوط به فعالیت‌های تصدی‌گری دولت در سال‌های اخیر، تصویر نگران‌کننده‌ای از تسلط فعالیت‌های تصدی دولت را در اقتصاد ارایه می‌کند و نمی‌توان تأثیر فعالیت‌های دولت بر متغیرهای اقتصادی را به نقش حاکمیتی دولت محدود کرد و بررسی فعالیت‌های تصدی‌گری دولت نیز از اهمیت برخوردار است (سایت موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، تاریخ رویت ۱ آبان ۱۴۰۰).

مبانی نظری موجود و همچنین تجارب کشورهای جهان نشان می‌دهد، تأثیر فعالیت‌های تصدی‌گری دولت تحت شرایطی که این نوع مداخله موجب از میان رفتن بخش خصوصی شود و دولت با فعالیت بیشتر خود عرصه را برای فعالیت بخش خصوصی تنگ‌تر کند، زمینه را برای کاهش رقابت سالم و عدم کارآیی و بهره‌وری عوامل تولید در اقتصاد فراهم می‌سازد و این کارکرد دولت مذموم است. از یک سو، غلبه فعالیت‌های تصدی‌گری دولت بر فعالیت‌های حاکمیتی آن، ضمن آنکه نقش اصلی و حاکمیتی دولت را خدشه‌دار می‌کند، اندازه دولت را نیز افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، براساس شواهدی از عملکرد چند دهه اخیر برخی اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، افزایش اندازه دولت بیش از حد، به دلایل مختلف از جمله استقراض بیشتر برای تأمین مالی هزینه‌های جاری دولت، موجب کاهش منابع مالی و کاهش انگیزه بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری شده و به دلیل وجود بازده نزولی در برخی فعالیت‌های اقتصادی دولت و در نتیجه، تخصیص غیربهبینه و اتلاف بخشی از منابع موجود در اقتصاد، به کاهش رشد اقتصادی

منجر می‌شود. بنابراین گستردگی فعالیت‌های تصدی‌گری دولت بر اساس سازوکارهای یادشده آثار منفی را بر اقتصاد داشته باشد، ضروری است با نگرش علمی به این مسأله و با استفاده از شاخص‌های موجود در این زمینه، شناخت دقیقی از فعالیت‌های تصدی‌گرانه دولت حاصل شود.

### ۳-۴- برخی ملاحظات اساسی به منظور کاهش حجم فعالیت‌های تصدی‌گری دولت

کاهش مداخلات دولت در اقتصاد و کاهش حجم تصدی‌گری‌های دولت در جهت ایفای نقش واقعی به معنی عرضه کالاهای عمومی متناسب با حجم اقتصاد در اندازه بزرگتر به شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی کمک می‌کند. در حوزه سیاست‌های بودجه‌ای، نویسندگان با به کارگیری معادلات ریاضی به این نتیجه می‌رسند که با افزایش نسبت کسر بودجه به تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. رابطه میان نسبت هزینه‌های جاری دولت در امور انسانی به تولید ناخالص داخلی و رشد همواره مثبت است. در مقابل رابطه میان نسبت هزینه‌های جاری دولت در سایر امور به تولید و رشد معکوس است. افزایش نسبت هزینه‌های جاری دولت در سایر امور به تولید ناخالص داخلی تا ۱۵ درصد رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد اما اگر این نسبت بالاتر از مقدار بهینه خود باشد با افزایش هزینه‌های جاری دولت در سایر امور رشد اقتصادی کاهش خواهد یافت. باید افزایش کیفیت خدمات ارائه شده در بهبود خدمات عمومی و عملکرد اقتصاد به کالاهای عمومی عرضه شده توسط دولت بهبود بخشند و برای رسیدن به این هدف نیز باید ساختار نظام بودجه‌ریزی تغییر کند تا منابع اضافی صرف شده توسط دولت در سایر امور سبب ارائه مطلوب‌تر کالاهای عمومی شود، در غیر این صورت به دلیل محدود بودن منابع مالی دولت با افزایش منابع در سایر امور دولت از تخصیص منابع در امور اثرگذار بر رشد باز خواهد ماند.

همچنین اگر افزایش هزینه‌های عمرانی منجر به افزایش تصدی‌گری دولت شود سبب می‌شود در بلندمدت رشد اقتصادی کاهش یابد و توجیه اقتصادی نخواهد داشت. در حوزه سیاست‌های کاهش دخالت‌های دولت به منظور بررسی اثر دخالت‌های دولت بر رشد اقتصاد محققان شاخص کل اختلال دخالت‌های دولت و شاخص عدم اثربخشی دولت را در کنار متغیرهای اصلی در معادله رشد وارد مدل کردند و این نتیجه حاصل شد که اثر اختلال ناشی از سیاست‌گذاری و تنظیم قوانین و مقررات و تصدی‌های دولت و عدم اثربخشی فعالیت‌های دولت بر رشد اقتصاد در ایران منفی و معنی‌دار است. بنابراین کاهش اختلال و افزایش اثربخشی فعالیت‌های دولت بر افزایش رشد بسیار موثر به نظر می‌رسد.

از آنجا که اختلال سیاست‌گذاری، تنظیم قوانین و تصدی‌های دولت اجزای شاخص کل اختلال هستند بنابراین بهبود در هر یک با در نظر گرفتن درجه اهمیت شان بر رشد تأثیر می‌گذارد. اختلال ناشی از سیاست‌های دولت برآمده از اختلال سیاست‌های پولی و اعتباری، تجاری و ارزی، قیمت‌گذاری و بازار کار و مالی است که بهبود هر یک با در نظر گرفتن درجه اهمیت آن‌ها بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد. بنابراین رابطه میان اندازه دولت و رشد اقتصادی همیشه مثبت نبوده و در مراحل اولیه رشد دولت با

بسط ساختارهای مورد نیاز اقتصاد سبب افزایش رشد اقتصادی می شود و دلیل این امر را می توان به کاهش فعالیت های بازار و بخش خصوصی نسبت داد (سایت ویستا، تاریخ رویت ۱۰ آبان ۱۴۰۰).

#### ۴-۴- توقیف اموال دولتی در حقوق ایران و تجارت بین الملل

اموال موسسات دولتی رابطه نزدیکی با اموال دولتی دارند و توقیف این اموال وابسته به مشروعیت طرح دعوا علیه دولت می باشد. به رسمیت شناختن شخصیت حقوقی این نهادها بسیار حائز اهمیت می باشد زیرا اگر برای این نهاد شخصیت حقوقی مستقل در نظر بگیریم بحث توقیف اموال دولت و جاهت حقوقی نداشته و نهاد مربوطه مسئول جبران خسارت وارده خواهد بود.

در عرصه بین المللی؛ فعالیت های شرکت های دولتی که به اعمال تصدی گری مشغول اند، مشمول اصل مصونیت اموال دولت ها نمی شود و اموال دولت ها به سبب تعهدات تجاری موسسات و شرکت های دولتی قابل توقیف هستند. توقیف اموال موسسات دولتی در حقوق داخلی یک نظریه پذیرفته شده است اما طبق قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵ این عمل با موانعی روبرو می باشد که اجرای دادگستری و ادارات ثبت اسناد و املاک و سایر مراجع دیگر، مجاز به توقیف اموال منقول و غیرمنقول وزارتخانه ها و موسسات دولتی تا تصویب و ابلاغ بودجه یک سال و نیم بعد از سال صدور حکم نخواهند بود.

در حقوق بین الملل نیز در صورتی که اموال دولت برای اعمال تصدی گری باشد خصوصاً زمانی که به امور تجاری مشغول شوند، قابل توقیف خواهد بود که ماده ۱۰ قانون تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد نیز در خصوص مسئولیت های قضایی دولت ها و اموال آنها به این امر اشاره کرده است اما اگر اموال دولت مربوط به اعمال حاکمیتی باشد، توقیف امکان پذیر نخواهد بود و از آنجایی که موسسات دولتی به امور حاکمیتی مشغول هستند باید گفت که اصل مصونیت قضایی دولت ها و اموال آنها شامل موسسات دولتی نیز شده و بنابراین توقیف اموال این موسسات ممنوع است (حسنوند و صحرانورد، ۱۳۹۴، ۱۵).

#### ۵- نتیجه گیری

فرآیند طولانی مدت عضویت ایران فرصتی می باشد که سیاست گذاران اقتصادی به بهبود ساختار اقتصاد ایران و بهره وری و کارایی و از بین بردن رانت و انحصار که با عضویت در تجارت جهانی از بین می رود، بپردازند. عضویت در سازمان تجارت جهانی بر بهبود سیستم های کنترل بهره وری و افزایش راندمان در اقتصاد کشور کمک خواهد کرد. در خصوص صادرات و واردات، اشتغال، تولید، تراز پرداخت ها، سیاست گذاری ارزی، سرمایه گذاری بخش کشاورزی و صنعت در راستای کاهش اثرات منفی عضویت ایران باید برنامه ریزی شود.

در الحاق به سازمان تجارت جهانی، بخش‌های کشاورزی و ساختمان برنده‌های اصلی و بخش‌های معدن، صنعت، برق و گاز بازندگان اصلی هستند. بخش خدمات تنها بخشی می‌باشد که نسبت به الحاق بی‌تفاوت است چرا که الحاق به سازمان تجارت جهانی باعث می‌شود که واردات محصولات کشاورزی به شدت کاهش یافته و واردات خدمات به شدت افزایش یابد. از واردات بخش معدن کاسته شده و به واردات بخش صنعت افزوده می‌شود. اگر الحاق به سازمان تجارت جهانی صورت پذیرد، صادرات کلیه بخش‌های عمومی اقتصاد کاهش و در صورتی که با حفظ یارانه کالاهای اساسی همراه باشد، صادرات آنها افزایش می‌یابد.

از سوی دیگر تمایل شدید دولت به تصدی‌گری موجب شده است که رشد اقتصادی ایران از طریق اختلال در تصمیم‌بینه عوامل اقتصادی در قالب کاهش حجم سرمایه، اندازه دولت، ترکیب بودجه دولت، نظم مالی دولت و سیاست‌های تجاری آن کاهش یابد. بنابراین برای افزایش سهم بخش خصوصی از اقتصاد به جای واگذاری دارایی‌های دولت، باید وابستگی دولت نسبت به نفت کاهش یابد چرا که نفت یکی از مهمترین کالاهایی می‌باشد که دولت به تصدی‌گری می‌پردازد. بنابراین غلبه تصدی‌گری بر وظایف حاکمیتی دولت با وجود برنامه‌های کلان و سالیانه و طرح توسعه‌ای به عنوان یک آسیب جدی می‌باشد.

علاوه بر این، آزادسازی و مقررات زدایی در اقتصاد ایران برای رسیدن به محیط سالم و رقابتی آزاد با محدود شدن تصدی اقتصادی دولت باید مد نظر قرار بگیرد چرا که جهانی شدن حرکت به سمت بازار، واگذاری تصدی‌گری‌های دولت به بخش خصوصی و بازشدن بیشتر بخش خصوصی است. بهتر است که دولت در مسیر حداقل کردن تصدی‌گری‌های غیر ضروری گام بردارد که در این راستا پیشنهاد می‌شود که بسترسازی قانونی برای تسریع در الحاق به سازمان تجارت جهانی از طریق اصلاح قوانین نظیر قانون اساسی به عنوان قانون مادر، قوانین کار، سرمایه‌گذاری خارجی، بیمه، گمرک و مالیات یا قواعد سازمان تجارت جهانی انجام شود تا شاهد بهبود وضعیت اقتصادی کشور باشیم.

#### منابع و مأخذ

- ۱- ابراهیمی، بهنام؛ اسماعیلی رزی، حسین؛ شیر علی، شیرین (۱۳۹۵)، اثرات وفور درآمدهای نفتی بر نظام تصمیم‌گیری عوامل و سهم بخش خصوصی در اقتصاد ایران، مجله علمی پژوهشی سیاستگذاری اقتصادی، سال هشتم، شماره ۱۶، صص ۲۱۸-۱۹۰

- ۲- ابراهیمی، سید نصرالله؛ کریمی فرد، زهرا (۱۳۹۷)، رژیم حقوقی حاکم بر واردات و صادرات کالاهای نفتی در ایران با نگاهی تطبیقی، *دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی*، سال بیست و پنجم، شماره ۱۴، صص ۲۱-۴۴
- ۳- ابریشمی، حمید؛ برخوردار، سجاد؛ مالی، زهره (۱۳۹۷)، عوامل تعیین کننده اندازه دولت با تاکید بر نقش عوامل نهادی- سیاسی و حکومتی: مطالعه موردی کشورهای صادرکننده نفت، *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادسنجی*، سال دوم، شماره چهارم، صص ۱۰-۳۲
- ۴- پیری، صادق (۱۳۹۵)، سازمان تجارت جهانی و کشورهای جهان سوم: بررسی موردی روند الحاق جمهوری اسلامی ایران WTO، *سومین کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی*، تهران، ۲ دی ماه ۱۳۹۵، صص ۱-۲۹
- ۵- حسنونند، امین؛ صحرانورد، رسول (۱۳۹۴)، توقیف اموال دولتی در حقوق ایران و تجارت بین‌الملل، *آموزه‌های حقوقی گواه*، شماره یک، صص ۸۰-۵۷
- ۶- دادگر، یدالله؛ نظری، روح‌الله (۱۳۸۷)، بررسی تاثیر جهانی شدن تجارت بر اندازه دولت در ایران، *فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی*، شماره ۴۸، صص ۱-۳۸
- ۷- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۲)، حقوق تجارت بین‌الملل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (انتشارات سمت)
- ۸- صد خسروی، معصومه؛ حبیب‌زاده، توکل (۱۳۹۸)، موانع اصل ۱۳۹ قانون اساسی در مسیر الحاق به موافقتنامه تریپس، *فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۱۶۲-۱۴۳
- ۹- محسنی‌زنوزی، سید جمال‌الدین؛ اسماعیلی، سید میثم (۱۳۹۳)، تاثیر نقش دولت در رقابت‌پذیری، *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، سال دوم، شماره پنجم، صص ۴۱-۶۵



- ۱۰- نیلی پور طباطبایی، سید اکبر؛ خزایی، سعید؛ فتاحی اردکانی، حبیب الله (۱۳۹۹)، شناخت وظایف حاکمیتی دولت و اهمیت آن در تنظیم برنامه‌های راهبردی و نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها (بررسی چالش‌ها، راهکارها، تلاش‌های صورت گرفته در این خصوص)، *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، شماره ۴۵، صص ۴۱-۵۴
- ۱۱- نیلی، مسعود و همکاران، دولت و رشد اقتصادی در ایران (کاهش حجم تصدی‌گری دولت)، [www.http://vista.ir](http://vista.ir)، تاریخ رویت ۱۰ آبان ۱۴۰۰.
- ۱۲- گزارش ویژه موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد (۲۳ تیر ۱۳۹۴)، تصدی‌گری بالای دولت در اقتصاد ایران؛ دلایل پیامدها و راهکارها، [www.http://tier.ir](http://tier.ir)
- ۱۳- گزارش گروه نوسازی و تحول اداری (۱۴ آذر ۱۳۹۴)، امور حاکمیتی و تصدی‌گری، [www.http://tahavoleedari.blogspot.com](http://tahavoleedari.blogspot.com)